

شنبه ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ • ۲۸ رمضان ۱۴۴۳ • 30 Apr 2022



# نگاهی به رسانه‌ها

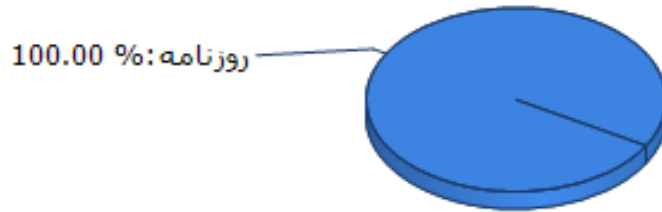
بازتاب اخبار تأثیر در روزنامه‌ها

## تعداد کل محتوا : ۹



روزنامه

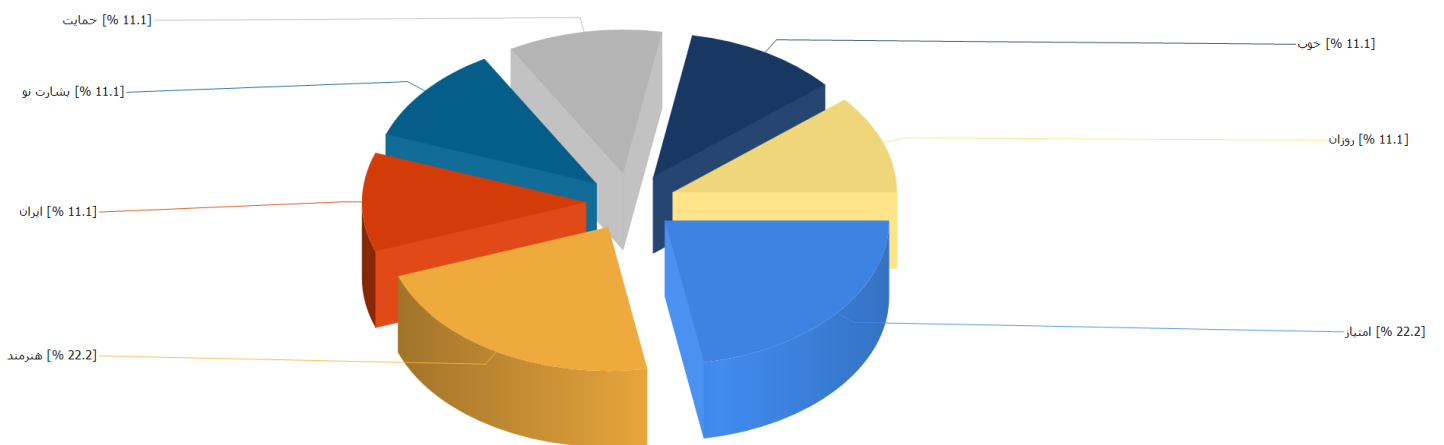
۹



گزارش فراوانی و درصد فراوانی مطالب مرتبط با تئاتر در رسانه های مکتوب

درصد فراوانی	فراوانی	نام منبع	ردیف
۲۲/۲	۲	امتیاز	۱
۲۲/۲	۲	هنرمند	۲
۱۱/۱	۱	ایران	۳
۱۱/۱	۱	بشارت نو	۴
۱۱/۱	۱	حمایت	۵
۱۱/۱	۱	خوب	۶
۱۱/۱	۱	روزان	۷
۱۰۰	۹	جمع کل	

## نمودار فراوانی و درصد مطالب مرتبط با تئاتر در رسانه های مکتوب



## فهرست اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب

صفحه	عنوان	رسانه
۶	اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب	
۷	مدیرکل هنرهای نمایشی در تالار سایه تئاتر شهر	امتیاز
۸	«گروفالو» چطور شکل گرفت؟	امتیاز
۹	گسست و کوتاه مدتی در تئاتر ایران	ایران
۱۰	«تهران» هویت خود را به مردم و ساکنانش تحمیل می کند	بشارت نو
۱۱	فانتزی در تئاتر کودک حرف اول را می زند	حمایت
۱۲	«گروفالو» چطور شکل گرفت؟	خوب
۱۳	مجبوریم قبول کنیم که پرفروش ترین کارها، آثار ممنوعه هستند	روزان
۱۴	احساس خطر بازیگران تئاتر از پیشرفت تکنولوژی	هنرمند
۱۵	فانتزی در تئاتر کودک حرف اول را می زند	هنرمند



## ◀ اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب



## مدیرکل هنرهای نمایشی در تالار سایه تئاتر شهر

مدیرکل هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شامگاه پنجشنبه هشتم اردیبهشت ماه با حضور در تالار سایه مجموعه تئاتر شهر از نمایش «فریاد خاموش» دیدن کرد.

کاظم نظری مدیرکل هنرهای نمایشی شامگاه پنجشنبه هشتم اردیبهشت ماه با حضور در تالار سایه مجموعه تئاتر شهر به تماشای نمایش «فریاد خاموش» نشست.

نظری پس از پایان این دیدار با محمد هادی عطایی کارگردان نمایش، دقایقی را به گفتگو نشست و از بازیگران و سایر دست اندرکاران نمایش «فریاد خاموش» قدردانی کرد.

در پایان اجرای پنجشنبه هشتم اردیبهشت ماه این اثر نمایشی که به رسم چند شب گذشته به پاسداشت تعدادی از هنرمندان درگذشته تئاتر ایران اختصاص دارد، گروه اجرایی تئاتر «فریاد خاموش» یاد و خاطره آرمین بشرویه بازیگر تازه درگذشته تئاتر کشورمان را گرامی داشتند.

تئاتر «فریاد خاموش» به نویسندگی محمدرضا عطایی فر، کارگردانی محمدهادی عطایی و بازی پیمان محسنی، محسن سالاری، محمدهادی عطایی و سارا زکریانژاد هر روز ساعت ۱۸:۴۵ در تالار سایه مجموعه تئاتر شهر میزبان علاقه‌مندان تئاتر است.



فانتزی در تئاتر کودک حرف اول را می زند

## «گروفالو» چطور شکل گرفت؟



آرش شریف زاده کارگردان نمایش «گروفالو» درباره شکل گیری این اثر نمایشی و نقش فانتزی در تئاتر کودک و نوجوان توضیحاتی ارائه داد.

آرش شریف زاده کارگردان، طراح صحنه و طراح نمایش تئاتر کودک و نوجوان و عروسکی که این روزها نمایش «گروفالو» را در پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه دارد درباره شکل گیری این اثر نمایشی گفت: شروع نمایش «گروفالو» از سال ۱۳۹۲ بود که مشغول طراحی فراخوانی مربوط به جشنواره تئاتر شهر بودم و در حین طراحی توجهم به شرایط شرکت در جشنواره جلب شد. تا آن زمان حیطه فعالیتیم در طراحی صحنه، لباس، مشاوره، بازیگری و عروسک گردانی بود و در زمینه کارگردانی کمتر فعالیت داشتم. پس از اطلاع از شرایط شرکت در جشنواره طرح مدنظرم را با بهرام جلالی پور مطرح کردم و وی هم پیشنهاد قصه «گروفالو» را داد.

وی ادامه داد: «گروفالو» از قصه های قدیمی چینی است که نویسنده ای به نام جولیا دونالدسون قصه را به روز کرده و با استقبال خوبی نیز مواجه شده است. نمایش در جشنواره تئاتر شهر جوایز اصلی را کسب کرد و پس از آن به جشنواره عسلویه دعوت شدیم که آنجا هم اتفاقات خوبی برای نمایش رقم خورد و جوایز زیادی به دست آورد. سپس برای اجرای عموم در تالار هنر به صحنه رفت که با استقبال کودکان و نوجوانان مواجه شد. پس از آن هم در جشنواره بین المللی تئاتر کودک و نوجوان شرکت کردیم که آنجا هم جوایز اصلی را کسب کردیم. بعد از جشنواره همانان از دفتر ارتباطات اسلامی با من تماس گرفته شد و عنوان کردند دفتر ارتباطات اسلامی قصد دارد برای اولین بار نمایش کودکی را برای جشنواره تئاتر کودک تونس اعزام کند تا مرادوات فرهنگی انجام شود.

شریف زاده یادآور شد: به این ترتیب «گروفالو» راهی جشنواره بین المللی تونس شد. در کشور تونس به سه زبان عربی، انگلیسی و فرانسوی صحبت می کنند. از آنجایی که مهدی فرشیدی سپهر بازیگر و شاعر نمایش به زبان انگلیسی و بهاره میرزابور به زبان های فرانسوی و عربی مسلط بودند، توانستیم بخش هایی از نمایش را به زبان های مورد استفاده تونس ترجمه و اجرا کنیم. تاثیر مثبت این اتفاق به قدری زیاد بود که دبیر جشنواره در پایان یادآور شد که نمایش ما از لحاظ ارتباط با مخاطبان بسیار موفق عمل کرده و تنها نمایشی بود که کودکان تونس به دلیل فهمیدن دیالوگ ها بسیار با آن ارتباط برقرار کرده اند. در این جشنواره هم «گروفالو» جزو آثار منتخب و صاحب جوایزی شد. این نمایش در کل صاحب ۱۸ جایزه از جشنواره های ملی و بین المللی شده است. خوشبختانه تا امروز کودکان از قشرهای مختلف چه در ایران و خارج از کشور و چه در حاشیه روستاها و حتی زمانی که نمایش را در مسجدهای اجرا

میزانسن ها، لباس، گریم، نور، کنتراست رنگ ها، ترکیب بندی ... اثر را برای مخاطب تجسم می بخشد. استفاده از منابع داستانی برای تبدیل شدن به نمایش بسیار قابل قبول است و کارگردان می تواند موضوعات را بر اساس ذهنیت و پرداخت خود روی صحنه ببرد. البته اقتباس های ناموفق هم وجود دارند که این ضعف در بخش های مختلفی مثل نویسندگی، تحلیل و کارگردانی باعث شده که پرداخت درستی از قصه های موفق اتفاق نیفتد. اقتباس حتی می تواند از فیلم، سریال یا انیمیشن صورت بگیرد و باید به همان اندازه جذاب باشد تا مخاطب را راضی کند.

شریف زاده در پایان درباره نقش فانتزی در شکل گیری تئاتر کودک و نوجوان گفت: متقدم فانتزی در تئاتر کودک و نوجوان حرف اول را می زند. اینکه ما موضوعاتی در رابطه با اجتماع و جامعه و مشکلات آن را به نمایش درآوریم درست است اما به طور کلی تخیل بچه ها بسیار گسترده و قوی است و بهتر است از این تخیل، خوب استفاده شود و به فانتزی ذهن کودکان تلنگر بزنیم. به عنوان نمونه بهرام جلالی پور نویسنده اثر با تلفیق «گروفالو» با یکی از داستان های کهن ما «حسن کچل» و اضافه کردن شخصیت روح پدربزرگ به داستان اصلی باعث شد نمایش تاثیر فوق العاده ای در جذب بچه ها داشته باشد. در نمایش روح پدربزرگ علاوه بر اینکه جنبه فانتزی دارد و یک روح است، توانایی انجام خیلی از کارهایی را دارد که یک فرد عادی قادر به انجام آن نیست و این مساله باعث جذابیت بیشتر نمایش شد. نمایش «گروفالو» با بازی امین رضا ملک محمودی، امیر افسر شبلیانی، نگار تقوی راد، شروین حاجی آقاچانی، نگین تقوی راد، مهدی بیابانی، علی پورمراد هر روز ساعت ۱۷:۳۰ در پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه می رود.

کارگردان «کلوچه های خدا» تصریح کرد:

کارگردان با آگاهی و احاطه خود به موضوع، حرکات،



## گسست و کوتاه مدتی در تئاتر ایران

اگر برای مدتی نسبتاً طولانی - شاید بیش از دو دهه- مخاطب حرفه‌ای تئاتر ایران باشید متوجه مسأله گسست و عدم تداوم در این هنر خواهید شد. بسیاری از تجربیات پیشین یا دوباره و از ابتدا توسط هنرمندان جدید تکرار می‌شوند یا اساساً بسیاری از تجربیات قابل تأمل، در فضای کوتاه مدت تئاتر ایران نیست

## بودها و نمودها

علیرضا نراقی  
منتقد

و فراموش می‌شوند. یادم هست که در نامه نگاری دو دهه پیش محمد جرمشیر و حمید امجد، دو نمایشنامه‌نویس مهم معاصر که در شماره اول دفترهای تئاتر نیلا منتشر شد این گسست توسط آنها چنین توصیف شد که «دارند توپ‌هایشان را به دیوار می‌کوبند» گویی که راهی به آینده نیست.

در حوزه نمایشنامه‌نویسی کمتر اتفاق افتاده که درام نویسان نوظهور جریانی تجربه شده و به تثبیت رسیده در پیش از خود را شناسایی کرده، ادامه دهند و وارد فضایی تازه کنند. همچنین در همین چهار دهه اخیر بسیاری از نمایشنامه‌نویسان موفق، پس از یک دوره پرکاری به شکل غم‌انگیزی از نمایشنامه‌نویسی فاصله گرفتند. در حوزه اجرا نیز بسیاری از جریان‌ها مثلاً تجربی تئاتر ایران که مدل‌هایی متفاوت را در دهه هفتاد تجربه کرده بودند پس از مدتی از یادها رفتند و گروه‌های تازه بدون آگاهی از کار پیشینیان خود، دست به بازآموزی تجربیات انجام شده تحت عنوان «تجربه تازه» زدند. در ادامه به چند علت و نه همه علت‌های این وضعیت خواهیم پرداخت.

دلیل اول نبود فضای پویای نقد و نشریات تخصصی کافی و جذاب است. این فقدان باعث شده تجربیات هنری موقت و چند شبه تئاتر، در ادبیات مکتوب و بحث‌های تحلیلی تبدیل به جریانی ماندگار، آزموده و اثرگذار نشوند. دلیل اصلی دیگر که به یک نقص عمده در تئاتر ایران بدل شده عدم تاریخ‌نگاری، خاصه در باب تئاتر معاصر ایران و بویژه جریان‌ات غالب و مهم نمایشی پس از انقلاب بوده است. این امر معمولاً در کشورهای توسعه یافته متکی بر حمایت نهادهای آکادمیک است. معمولاً در هیچ کجای دنیا صرف علایق و دغدغه‌های فردی منجر به تاریخ‌نگاری قابل اعتماد و جریان پژوهشی نمی‌شود. نهادهای آکادمیک هستند که با پرورش و تشویق نیروی انسانی و همچنین حمایت مالی و نهادی، تاریخ‌نگاری و پروژه‌های بزرگ و طولانی مدت پژوهشی را ممکن می‌سازند.

با وجود دانشکده‌های مختلف تئاتر و تعداد نسبتاً قابل توجه و اغلب بیش از ظرفیت فارغ‌التحصیلان این رشته - با توجه به فضای محدود شغلی در عرصه اجرا و کار مرتبط با نمایش - نهاد دانشگاه در کارهای پژوهشی موفق نبوده است و همواره بار خود را بر شانه‌های ناورزیده فضای حرفه‌ای تئاتر ایران خالی کرده است. از دیگر سو خود نهاد مدیریتی تئاتر تحت عنوان اداره کل هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اساساً و بنا به ماهیت وظایف خود ظرفیت و امکان سازمانی این را ندارد که علاوه بر ایجاد زمینه‌های کار اجرایی، با رویکردی درازمدت و پر رونق عرصه پژوهش و تاریخ‌نگاری تئاتر را آن‌طور که باید پیش ببرد. نتیجه این شرایط تعداد زیادی فارغ‌التحصیل و هنرمند جوان فعال در حوزه تئاتر است که از تاریخ معاصر تئاتر ایران تصور روشنی ندارند و روند کاری آنها نسبتی معنادار با تجربیات و جریان‌ات هنری پیشین مشابه پیدا نمی‌کند.

### تاثیر اقلیم بر هویت افراد از نگاه نویسنده «زنی شبیه تهران»:

## «تهران» هویت خود را به مردم و ساکنانش تحمیل می‌کند



مهسا دهقانی پور درباره اثر تازه‌اش گفت: زندگی در تهران موضوعی است که در همه داستان‌های این مجموعه تکرار می‌شود و تهران انگار با تمام نامی، شلوغی و تضادهایی که در خودش دارد، از قهرمان‌های داستان‌هایم قوی‌تر است و هویتی که خودش دوست دارد را به آن‌ها می‌دهد.

تهران از قهرمان‌های داستان‌هایم قوی‌تر است به گزارش ایبنا، مهسا دهقانی پور در دومین اثر داستانی‌اش به نام «زنی شبیه تهران» که از سوی انتشارات هیلا به چاپ رسیده، در پنج داستان به هم پیوسته که روایت هر داستان را یک زن برعهده دارد، به دغدغه‌ها و مسائل زنان پرداخته است.

دهقانی پور می‌گوید: «شخصیت‌ها و اتفاق‌های این مجموعه به هم متصل‌اند. کاراکترها با نقل داستان‌شان، داستان ناتمام همدیگر را کامل می‌کنند. داستان‌های این مجموعه از سالن تئاتر نصر خیابان لاله‌زار و خاطرات روزهای رونق لاله‌زار شروع می‌شود و در موزه ویران، ناتمام و افتتاح نشده تئاتر نصر تمام می‌شود.»

وی که فارغ‌التحصیل رشته ادبیات نمایشی در مقطع کارشناسی و رشته پژوهش هنر در مقطع کارشناسی ارشد است، درباره تاثیر تحصیلات و تجربه‌های کاری‌اش بر نوع نگاه به سوزها گفت: «شاید یکی از مهمترین تجربیات من بسپاری از داستان‌نویس‌هایی که تئاتر را تجربه کرده‌اند، شخصیت‌پردازی و زندگی با شخصیتی باشد که خلق می‌کنیم، شناخت دایره واژگان، نحوه حرف زدن، عکس-العمل‌ها، ایستادن، راه رفتن و... من فکر می‌کنم وقتی کاملاً شخصیت داستانم را بشناسم، دیگر من نیستم که داستان را پیش می‌برم؛ بلکه اوست.»

با مهسا دهقانی پور گفتگو داشتیم تا بیشتر از «زنی شبیه تهران» و فضایی که او برای نگارش کشیش سوراغ آن را رفته، بدانیم که در ادامه می‌خوانیم.

داستانی شماست که به تازگی از سوی نشر هیلا به چاپ رسیده، مجموعه‌ای که متشکل از پنج داستان به هم پیوسته است. ابتدا کمی درباره درونمایه، شخصیت‌ها و فضاهای داستان‌ها بگویید؟

بله! «زنی شبیه تهران» دومین اثر داستانی من است. مجموعه‌ای متشکل از پنج داستان متصل. تمام اتفاقات این مجموعه در شش روز از مرداد ماه سال هزار و سی صد و نود و هشت و در نقاط مختلف تهران رخ می‌دهد. هر داستان یک روی دارد که زندگی‌اش را روایت می‌کند. وجه تشابه این روی‌ها جنسیت و دغدغه‌های زنانه‌شان است، اما از نظر سن، موقعیت اجتماعی و محل زیست کاملاً متفاوتند. شخصیت‌ها و اتفاق‌های این مجموعه به هم متصل‌اند. کاراکترها با نقل داستان‌شان، داستان ناتمام همدیگر را کامل می‌کنند. داستان‌های این مجموعه از سالن تئاتر نصر خیابان لاله‌زار و خاطرات روزهای رونق لاله‌زار شروع می‌شود و در موزه ویران، ناتمام و افتتاح نشده تئاتر نصر تمام می‌شود.

همان‌طور که گفته شد داستان‌های این مجموعه متصل به هم بوده و به این ترتیب شخصیت‌ها به داستان‌های دیگر ورود می‌کنند. اما آنچه بسیار حائز اهمیت است نقش هویت در داستان‌ها و تاثیر محیط بر آن است. در این‌باره توضیح دهید.

می‌توان تاثیر محیط بر شخصیت، رفتار، کنش‌ها و واکنش‌ها و... آدمی را نادیده گرفت. اقلیم سختگیر آدم‌هایی سخت‌جان‌تر را تربیت می‌کند. به عنوان مثال مردم بلوچستان و مازندران شبیه هم نیستند. بخشی از این تفاوت رفتاری به پیش‌دستی اقلیم‌شان برمی‌گردد. گفته می‌شود که دشت یا کوهستانی و... بودن محیط حتی بر لجه‌های یک زبان واحد هم تاثیر دارد.

شبیه تهران بودن یا شدن و با اصلاً زندگی در تهران موضوعی است که در همه داستان‌های این مجموعه تکرار می‌شود. زن‌هایی که برای ماندن یا رفتن از تهران جان می‌کنند؛ اما تهران انگار با تمام نامی، شلوغی، سرعت و تضادهایی که در خودش دارد، از قهرمان‌های داستان قوی‌تر است و هویتی که خودش دوست دارد را به آنها می‌دهد. صحنه به عنوان محوری‌ترین کاراکتر این مجموعه که با دیگر کاراکترها هم در ارتباط است، مدام به اینکه آنقدر شبیه تهران نشده که دیگر خودش را دوست ندارد، فکر می‌کند یا آن را به زبان می‌آورد. به عنوان مثال صحنه در جایی که داستان می‌گوید:

«وقتی به باران گفتم «حالا بیشتر از قبل شبیه بونکم» خندید. باور نکرد از هر طرف شهربه سمت من یک اتوبان کشیده‌اند و دم‌دستی‌ترین آدم دنیا شدم. شب‌ها هزار فکر ترسناک مثل کارت‌نخواب‌های دره فرحزاد وسط ذهنم وول می‌زند و زبانه‌هایش را به هم می‌ریزد. نمی‌دانم وقتی باران به این حرفم می‌خندد شبیه کجای دنیا بود که اصلاً نمی‌شناختمش.»

و یا در جای دیگری می‌گوید:

«توی تمام این دو ماه بی خبری از کوه، گاهی باران را می‌دیدم. همیشه لایه‌لای خاطره گفتن‌ها و اصرارش به قاتی کردن سرنوشت‌مان مدام به این فکر می‌کردم یک زن چهل ساله به امنیت بیشتر از عشق نیاز دارد. اصلاً چهل سالگی این نگاه صحرا با تمام تأثیری که بر این‌ها می‌گذارد به آنها هم منتقل شده. نجات از هویت، خانواده، محله و شهرش فراری است. دلش می‌خواد شبیه شهری دیگر شود و یا این‌ها با تمام نامی که در زندگی‌اش دارد، دلش می‌خواهد شبیه محله‌ای خیابانی، کوچک‌امی باشد. در جایی از کتاب نجات می‌گوید:

«صحرا ملکان می‌گفت آدم‌ها شبیه شهری می‌شن که توش زندگی می‌کنن. ونوشه من شبیه تهرومه؟»

«شبیه کجای تهرون»

شاید شبیه شوش باشم که هرچقدر رنگ به در و دیوارش بعالمی یاز هم از جایی یک سیاهی چرک بیرون می‌زند و...

پنج داستان «زنی شبیه به تهران» که هر کدام با نام‌هایی زبانه‌ناگمگن شده است، از زندگی، چالش‌ها و کشمکش‌هایی روایت می‌کنند که در زنان در جامعه معاصر با آن مواجه‌اند. از چه کارکردهای روایی و داستانی برای باورپذیری بودن و ارتباط بیشتر مخاطب با شخصیت‌های داستان بهره برده‌اید؟

همه موضوعات دنیا برای نوشتن تکراری شده‌اند. برای من که به خواندن اساطیر علاقه دارم تکراری‌تر. به عنوان داستان‌نویس باید دوباره این قصه‌های تکراری را بنویسم؛ اما سعی می‌کنم این داستان تکراری را طوری روایت کنم که برای مخاطب زمانه خودم باورپذیر باشد و به دغدغه‌هایش نزدیک، شاید یکی از مهمترین تجربیات من و بسپاری از داستان‌نویس‌هایی که تئاتر را تجربه کرده‌اند، شخصیت‌پردازی و زندگی با شخصیتی باشد که خلق می‌کنیم، شناخت دایره واژگان، نحوه حرف زدن، عکس‌العمل‌ها، ایستادن، راه رفتن و... من فکر می‌کنم وقتی کاملاً شخصیت داستانم را بشناسم، دیگر من نیستم که داستان را پیش می‌برم بلکه اوست.

خواسته یا ناخواسته همیشه روی داستان‌هایم اول شخص بوده‌اند. در این مجموعه هم پنج روی داریم؛ ونوشه، نجات، صحرا، آبان، زهره. زن‌هایی که روی داستان زندگی خودشان هستند. «من راوی» داستان را صمیمی‌تر می‌کند. همان‌طور که گفتیم وقتی داستان می‌نویسم، اول به قصه فکر می‌کنم. فرم و تکنیک در درجه بعد قرار دارند. این اصلاً به معنای بی‌اهمیتی یا نادانستن تکنیک نیست. شاید به دلیل رشته تحصیلی، تکنیک به ناخودآگاهم رفته.

به نظر می‌رسد که فضاهایی که برای روایت داستان‌ها انتخاب شده نقش بسزایی در شخصیت داستان‌ها داشته است. تا جایی که در عنوان کتاب نیز دیده می‌شود. فضا سازی در «زنی شبیه تهران» چه نسبتی با شخصیت‌پردازی داشته است؟

من در پاسخ سوال دوم شما تا حدی به این موضوع هم پرداختم. تهران در این مجموعه داستان شهری است یا تضادهای زیاد، سرعت نابودی و تغییر هویت در تهران زیاد

است. مثلاً تئاترهای روشن‌فکرانه خیابان لاله‌زار با کودتای بیست‌وهشتم مرداد و تغییر مدیریت از جانب ساواک به یکباره تبدیل به آتراکسیون شدند. بعد انقلاب هم هویتی جدید گرفتند تا در نهایت در دهه هشتاد از بین رفتند. همین تغییر باعث شد خیلی از هنرپیشه‌ها بعد کودتا به طور موقت یا دائم از تئاتر خداحافظی کنند؛ اما برخی هم مثل شخصیت لیلا این مجموعه داستان در تئاتر ماندند. هر تغییری در تئاتر ناخواسته بخشی از زندگی لیلا را تغییر می‌دهد تا در نهایت از او یک شخصیت دیگر می‌سازد. یا به طور مثال بخشی از هویت و گذشته و خانواده نجات در میدان تره‌بار شروش کم شده، جایی که مثل ساختمان پلاسکو، با ده‌ها مکان دیگر یکباره نابود شد. البته من از تهران نوشتم چون شهر خودم بود و فکر می‌کردم آن را با تمام مختصات و ویژگی‌هایش می‌شناسم. قطعاً اگر اهل شهر دیگری بودم و آن شهر را به درستی می‌شناختم، همان شهر را می‌نوشتم.

تحصیل در رشته ادبیات نمایشی و پژوهش هنر چه نقشی در نوع نگاه شما به سوزهای مورد نظر تان دارد؟ آیا توجه به فضاها و کارکردهای آن در ارائه تصویر درستی از کاراکترها از همین مساله نشأت می‌گیرد؟

خواسته یا ناخواسته ما بخشی از تجربیات زیسته خود را به جهان داستانی‌مان می‌آوریم. شاید تحصیل در رشته ادبیات نمایشی و پژوهش هنر از دو جهت کاملاً متفاوت بر هر دو کتاب داستانی من... «کجا گمگم کردم» و «زنی شبیه تهران»... تأثیرگذار بوده. نخست موضوع داستان‌ها، در هر دو کتاب من دغدغه موزه و تئاتر را داشته‌ام. ماهی مالکی کاراکتر اصلی رمان «کجا گمگم کردم» موزه‌داری خوانده و پدر بزرگش هنرپیشه‌ای بوده که پس از کودتای بیست‌وهشتم مرداد برای همیشه تئاتر را ترک می‌کند. در این مجموعه داستان هم به سرنوشت تئاترهای خیابان لاله‌زار پرداخته‌ام. اما قطعاً تأثیر دیگر و شاید مهم‌تر درس‌هایی مثل نمایشنامه‌نویسی، داستان‌نویسی، شخصیت‌شناسی، دیالوگ‌نویسی، مکتب ادبی، سبک‌شناسی و... بوده که مستقیم به من اصول و تکنیک نوشتن را آموختند.

در دو دهه گذشته شاهد رشد و شکوفایی نویسنده‌گان زن داخلی در فضاها و حتی ژانرهای ادبی هستیم. جایگاه امروز زنان داستان‌نویس را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ و چه آینده‌ای را برای داستان‌نویسان زن متصور هستید؟

زنان در داستان‌نویسی، فیلم‌نامه‌نویسی، نمایش‌نامه‌نویسی، شعر و... نسبت به دهه‌های گذشته حضور پررنگ‌تری دارند. همان‌طور که در دیگر عرصه‌های هنری، علمی، ورزشی و... نقش فعال‌تری دارند. قطعاً به همین نسبت زن‌ها نسبت به دهه‌های گذشته بیشتر داستان، شعر و... می‌خوانند و تئاتر می‌بینند. یک جور نظام عرضه و تقاضا که البته عرضه بیشتر از تقاضا است؛ اما نمی‌توانم بگویم چقدر این آثار در تاریخ ادبیات ماندگار باشند و با اصلاً سی سال دیگر هم خوانده می‌شوند. به طور یقین بخش عظیمی از این نوشته‌ها نابود می‌شوند. شاید جواب دقیق این سوال شما را فقط تاریخ و گذر زمان بداند.

از تفاوت‌های داستان‌های کوتاه به هم پیوسته با داستان بلند بگویید؟

اگر بخواهم در مورد هر دو کتاب خود صحبت کنم، بله هر دو داستان‌های کوتاه به هم پیوسته هستند. در رمان کجا گمگم کردم روی همه داستان‌ها ماهی مالکی است که زندگی، گذشته و خانواده‌اش را با داستان‌های کوتاه روایت می‌کند. داستان‌ها در عین انفعال به هم متصلند و در کنار هم کامل می‌شوند. در این مجموعه هم راوی‌ها متفاوتند؛ اما داستان زندگی همدیگر و لیلا را کامل می‌کنند. شاید تفاوتی که شما می‌پرسید در این امتیاز باشد که در عین انفعال وجود دارد. در تکامل‌شان در کنار هم باشند. داستان‌های متصل به صورت مجزا به نوعی ناتمامی را در خود دارند.

در پایان، آیا کتابی در دست نگارش دارید؟

بله. در حال نوشتن یک سه‌گانه متصل هستم. اما چون بخش مهمی از داستان‌ها به کودتای بیست‌وهشتم مرداد مربوط است فعلاً بیشتر بر روی مطالعات تاریخی و جمع‌آوری مستندات متمرکز هستم.

مجموعه داستان «زنی شبیه تهران» نوشته مهسا دهقانی پور، در ۱۰۴ صفحه، با شمارگان ۶۶۰ نسخه، به قیمت ۲۵ هزار تومان، در قطع رقعی، جلد شومیز و از سوی انتشارات هیلا راهی بازار کتاب شد.

## نمایش

فانتزی در تئاتر کودک  
حرف اول رامی زند

آرش شریف زاده کارگردان، طراح صحنه و طراح نمایش تئاتر کودک و نوجوان و عروسکی که این روزها نمایش «گروفالو» را در پردیس تئاتر شهر زاد روی صحنه دارد، درباره نقش فانتزی در شکل‌گیری تئاتر کودک و نوجوان گفت: معتقدم فانتزی در تئاتر کودک و نوجوان حرف اول را می‌زند. اینکه ما موضوعاتی در رابطه با اجتماع و جامعه و مشکلات آن را به نمایش در آوریم درست است اما به طور کلی تخیل بچه‌ها بسیار گسترده و قوی است و بهتر است از این تخیل، خوب استفاده شود و به فانتزی ذهن کودکان تلنگر بزنیم. به عنوان نمونه بهرام جلالی پور نویسنده اثر با تلفیق «گروفالو» با یکی از داستان‌های کهن ما «حسن کچل» و اضافه کردن شخصیت روح پدر بزرگ به داستان اصلی باعث شد نمایش تاثیر فوق العاده‌ای در جذب بچه‌ها داشته باشد. در نمایش روح پدر بزرگ علاوه بر اینکه جنبه فانتزی دارد و یک روح است، توانایی انجام خیلی از کارهایی را دارد که یک فرد عادی قادر به انجام آن نیست و این مساله باعث جذابیت بیشتر نمایش شد.

وی درباره شکل‌گیری این اثر نمایشی گفت: شروع نمایش «گروفالو» از سال ۱۳۹۲ بود که مشغول طراحی فراخوانی مربوط به جشنواره تئاتر شهر بودم و در حین طراحی توجهم به شرایط شرکت در جشنواره جلب شد. تا آن زمان حیطه فعالیتیم در طراحی صحنه، لباس، مشاوره، بازیگری و عروسک‌گردانی بود و در زمینه کارگردانی کمتر فعالیت داشتم. پس از اطلاع از شرایط شرکت در جشنواره طرح مدنظرم را با بهرام جلالی پور مطرح کردم و وی هم پیشنهاد قصه «گروفالو» را داد.





## فانتزی در تئاتر کودک حرف اول را می زند «گروفالو» چطور شکل گرفت؟

آرش شریف زاده کارگردان نمایش «گروفالو» درباره شکل گیری این اثر نمایشی و نقش فانتزی در تئاتر کودک و نوجوان توضیحاتی ارائه داد.

آرش شریف زاده کارگردان، طراح صحنه و طراح نمایش تئاتر کودک و نوجوان و عروسکی که این روزها نمایش «گروفالو» را در پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه دارد درباره شکل گیری این اثر نمایشی گفت: شروع نمایش «گروفالو» از سال ۱۳۹۲ بود که مشغول طراحی فراخوانی مربوط به جشنواره تئاتر شهر بودم و در حین طراحی توجهم به شرایط شرکت در جشنواره جلب شد. تا آن زمان حیطه فعالیتیم در طراحی صحنه، لباس، مشاوره، بازیگری و عروسک گردانی بود و در زمینه کارگردانی کمتر فعالیت داشتم. پس از اطلاع از شرایط شرکت در جشنواره طرح مدنظرم را با بهرام جلالی پور مطرح کردم و وی هم پیشنهاد قصه «گروفالو» را داد. وی ادامه داد: «گروفالو» از قصه های قدیمی چینی است که نویسنده ای به نام جولیا دونالدسون قصه را به روز کرده و با استقبال خوبی نیز مواجه شده است. نمایش در جشنواره تئاتر شهر جوایز اصلی را کسب کرد و پس از آن به جشنواره عسلویه دعوت شدیم که آنجا هم اتفاقات خوبی برای نمایش رقم خورد و جوایز زیادی به دست آورد. سپس برای اجرای عموم در تالار هنر به صحنه رفت که با استقبال کودکان و نوجوانان مواجه شد. پس از آن هم در جشنواره بین المللی تئاتر کودک و نوجوان شرکت کردیم که آنجا هم جوایز اصلی را کسب کردیم. بعد از جشنواره همدان از دفتر ارتباطات اسلامی با من تماس گرفته شد و عنوان کردند دفتر ارتباطات اسلامی قصد دارد برای اولین بار نمایش کودکی را برای جشنواره تئاتر کودک تونس اعزام کند تا مرادوات فرهنگی انجام شود.

آرش شریف زاده کارگردان نمایش «گروفالو» درباره شکل گیری این اثر نمایشی و نقش فانتزی در تئاتر کودک و نوجوان توضیحاتی ارائه داد.

آرش شریف زاده کارگردان، طراح صحنه و طراح نمایش تئاتر کودک و نوجوان و عروسکی که این روزها نمایش «گروفالو» را در پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه دارد درباره شکل گیری این اثر نمایشی گفت: شروع نمایش «گروفالو» از سال ۱۳۹۲ بود که مشغول طراحی فراخوانی مربوط به جشنواره تئاتر شهر بودم و در حین طراحی توجهم به شرایط شرکت در جشنواره جلب شد. تا آن زمان حیطه فعالیتیم در طراحی صحنه، لباس، مشاوره، بازیگری و عروسک گردانی بود و در زمینه کارگردانی کمتر فعالیت داشتم. پس از اطلاع از شرایط شرکت در جشنواره طرح مدنظرم را با بهرام جلالی پور مطرح کردم و وی هم پیشنهاد قصه «گروفالو» را داد. وی ادامه داد: «گروفالو» از قصه های قدیمی چینی است که نویسنده ای به نام جولیا دونالدسون قصه را به روز کرده و با استقبال خوبی نیز مواجه شده است. نمایش در جشنواره تئاتر شهر جوایز اصلی را کسب کرد و پس از آن به جشنواره عسلویه دعوت شدیم که آنجا هم اتفاقات خوبی برای نمایش رقم خورد و جوایز زیادی به دست آورد. سپس برای اجرای عموم در تالار هنر به صحنه رفت که با استقبال کودکان و نوجوانان مواجه شد. پس از آن هم در جشنواره بین المللی تئاتر کودک و نوجوان شرکت کردیم که آنجا هم جوایز اصلی را کسب کردیم. بعد از جشنواره همدان از دفتر ارتباطات اسلامی با من تماس گرفته شد و عنوان کردند دفتر ارتباطات اسلامی قصد دارد برای اولین بار نمایش کودکی را برای جشنواره تئاتر کودک تونس اعزام کند تا مرادوات فرهنگی انجام شود.

بازیگر و شاعر نمایش به زبان انگلیسی و بهاره میرزاپور به زبان های فرانسوی و عربی مسلط بودند، توانستیم بخش هایی از نمایش را به زبان های مورد استفاده تونس ترجمه و اجرا کنیم. تاثیر مثبت این اتفاق به قدری زیاد بود که دبیر جشنواره در پایان یادآور شد که نمایش ما از لحاظ ارتباط با مخاطبان بسیار موفق عمل کرده و تنها نمایشی بود که کودکان تونس به دلیل فهمیدن دیالوگ ها بسیار با آن ارتباط برقرار کرده اند. در این جشنواره هم «گروفالو» جزو آثار منتخب و صاحب جوایزی شد. این نمایش در کل صاحب ۱۸ جایزه از جشنواره های ملی و بین المللی شده است. خوشبختانه تا امروز کودکان از قشرهای مختلف چه در ایران و خارج از کشور و چه در حاشیه روستاها و حتی زمانی که نمایش را در مسجدی اجرا کردیم با «گروفالو» ارتباط برقرار کردند.

این کارگردان با اشاره به پتانسیل منابع داستانی برای اقتباس و تبدیل شدن به آثار نمایشی عنوان کرد: من در آثارم استفاده خیلی خوبی از اقتباس برده ام. اقتباس و روش های آن مسلما در حیطه تخصص بهرام جلالی پور نویسنده نمایش «گروفالو» است اما به نظرم کتاب های خوبی وجود دارد که چه به لحاظ داستانی، چه آموزشی و ... مورد توجه بچه هاست و باعث می شود پتانسیل هایی را که باعث جذب کودکان شده است، بشناسید. به عنوان یک کارگردان باید دلایل این جذب شدن را کشف کنید و گسترش دهید چرا که کتاب در اصل، موضوع را به شما می دهد؛ موضوعی که کودکان با آن ارتباط برقرار کرده اند و امتحان خود را پس داده است.

کارگردان «کلوچه های خدا» تصریح کرد: کارگردان با آگاهی و احاطه خود به موضوع، حرکات، میزانشن ها، لباس، گریم، نور، کنتراست رنگ ها، ترکیب بندی ... اثر را برای مخاطب تجسم می بخشد. استفاده از منابع داستانی برای تبدیل شدن به نمایش بسیار قابل قبول است و کارگردان می تواند موضوعات را بر اساس ذهنیت و پرداخت خود روی صحنه ببرد. البته اقتباس های ناموفق هم وجود دارند که این ضعف در بخش های مختلفی مثل نویسندگی، تحلیل و کارگردانی باعث شده که پرداخت درستی از قصه های موفق اتفاق نیفتد. اقتباس حتی می تواند از فیلم، سریال یا انیمیشن صورت بگیرد و باید به همان اندازه جذاب باشد تا مخاطب را راضی کند. شریف زاده در پایان درباره نقش فانتزی در شکل گیری تئاتر کودک و نوجوان گفت: معتمد فانتزی در تئاتر کودک و نوجوان حرف اول را می زند. اینکه ما موضوعاتی در رابطه با اجتماع و جامعه و مشکلات آن را به نمایش درآوریم درست است اما به طور کلی تخیل بچه ها بسیار گسترده و قوی است و بهتر است از این تخیل، خوب استفاده شود و به فانتزی ذهن کودکان تلنگر بزنیم. به عنوان نمونه بهرام جلالی پور نویسنده اثر با تلفیق «گروفالو» با یکی از داستان های کهن ما «حسن کچل» و اضافه کردن شخصیت روح پدربزرگ به داستان اصلی باعث شد نمایش تاثیر فوق العاده ای در جذب بچه ها داشته باشد. در نمایش روح پدربزرگ علاوه بر اینکه جنبه فانتزی دارد و یک روح است، توانایی انجام خیلی از کارهایی را دارد که یک فرد عادی قادر به انجام آن نیست و این مساله باعث جذابیت بیشتر نمایش شد.

نمایش «گروفالو» با بازی امین رضا ملک محمودی، امیر افسر شیبانی، نگار تقوی راد، شروین حاجی آقاچانی، نگین تقوی راد، مهدی بیابانی، علی پورمراد هر روز ساعت ۱۷:۳۰ در پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه می رود.



## مجبوریم قبول کنیم که پر فروش ترین کارها، آثار ممنوعه هستند

نمی‌شود و خبررسانی صورت نمی‌گیرد. «دژاکام ادامه داد: «اشتباه برداشت نشود چون به شکل شفاف می‌گویم تعدادی از همکاران من واقعا ممنوع‌الفعالیت هستند و آثارشان اجازه اجرا پیدا نمی‌کند و یا نمایش‌هایی را می‌بینیم که بعد از چندین اجرا توقیف می‌شوند و دوباره باید بازبینی بدهند و یا ممیزی‌های بی‌موردی به برخی نمایش‌ها وارد می‌شود، که منصفانه نیست. منظور من افرادی هستند که از خبر توقیف و انصراف کارهایشان برای فروش بیشتر استفاده می‌کنند در حالی که من به‌عنوان کارگردانی که حداقل ۱۲ نمایش در سالن اصلی به صحنه برده‌ام بعد از گذشت ۱۰ سال که از اجرای کارم در سالن اصلی تئاتر شهر گذشته همچنان باید به دنبال گرفتن اجرا باشم.»

نمایش با همان گروه روی صحنه می‌رود و مثلاً کارگردانی که ادعای کرد کارش توقیف شده و به دلیل اجحافی که در حقش شده می‌خواهد کلا از فعالیت در تئاتر انصراف دهند، نمایشش را به صحنه برده و کارش هم پر فروش می‌شود.»

او تصریح کرد: «در واقع اگر می‌خواهید نمایش‌های پر فروش را رصد کنید باید به سراغ ممنوعه‌ها بروید. این مساله که ممنوع‌شده‌ترین‌ها در نهایت به پر فروش‌ترین‌ها تبدیل می‌شوند، یک شوخی تلخ است اما واقعیت دارد که پر فروش‌ترین کارها، چه در تئاتر و چه سینما آثار ممنوعه هستند و انگار رابطهای بین این ۲ جریان وجود دارد. البته بگذریم از کارگردان‌هایی که واقعا کار نمی‌کنند و آثارشان اجازه اجرا پیدا نمی‌کند که در چنین مواردی کسی هم مطلع

امیر دژاکام می‌گوید این مساله که ممنوع‌شده‌ترین‌ها در نهایت به پر فروش‌ترین‌ها تبدیل می‌شوند، یک شوخی تلخ است اما واقعیت دارد که پر فروش‌ترین کارها، چه در تئاتر و چه سینما آثار ممنوعه هستند و انگار رابطهای بین این دو جریان وجود دارد. امیر دژاکام، نویسنده و کارگردان تئاتر، درباره تازه‌ترین فعالیت خود گفت: «چند سال قبل درخواست روی صحنه بردن نمایش «مردی برای تمام فصول» را برای اجرا در سالن اصلی تئاتر شهر ارائه دادم که به هر دلیلی مورد قبول قرار نگرفت. معتقدم اجرا نشدن یک کار به معنای ممنوع شدنش هم است از این لحاظ این نکته را مطرح می‌کنم که این روزها بسیار زیاد خبرهایی مبنی بر اینکه فلان نمایش اجازه اجرا پیدا نکرده و توقیف است، می‌شنویم اما چندی بعد می‌بینیم همان

تاریخ انتشار: شنبه ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ \* ۱۰:۴۷

۵

## پوش حمایت از حقوق هنرمندان در برابر توسعه هوش مصنوعی احساس خطر بازیگران تئاتر از پیشرفت تکنولوژی

### نگرانی بازیگران و فعالان عرصه هنرهای نمایشی از پیشرفت تکنولوژی

صنوعی همکاری می‌کنند ناچار به امضای پیمان‌نامه‌های عدم افشا می‌شوند که مفاد آن از دسترس خارج است. این امر ماهیت کاری که این دسته از هنرمندان انجام می‌دهند را پیچیده می‌کند و در صورت مواجه شدن آنها با اختلافات حقوقی اقدام مناسب و درخوری نمی‌توان انجام داد.

دبیر کل اتحادیه صنف هنرمندان بریتانیا یعنی بل دلبیو فلمینگ ضمن اشاره به نگرانی‌های صدایشانگان فعال در دنیای هنرهای نمایشی معتقد است: «انفجار هوش مصنوعی در صنعت سرگرمی یک نگرانی قابل توجه و رو به رشد برای هنرمندان متمرکز بر حوزه صدا و سایر اجراگران فعال در عرصه هنرهای نمایشی به شمار می‌رود. از همین رو ما سخت کار می‌کنیم تا اعضای اتحادیه خود را در برابر آن دسته از مدیران و تهیه‌کنندگانی که قصد دارند با جایگزینی بازیگران حرفه‌ای و اجراگران توانمند توسط سیستم هوش مصنوعی سود خود را افزایش دهند، حمایت نماییم. با این حال بدون اقدامات جدی دولت برای به‌روزرسانی و مدرن سازی قوانین کپی رایت به جایی نخواهیم رسید و در آینده نزدیک شاهد بروز پیامدهای جدی برای بازیگران و اجراگران و همچنین وارد آمدن آسیب‌های دائمی به یکی از پیشروترین صنایع جهان یعنی صنعت سرگرمی خواهیم بود.»

#### پیشگیری از برده‌داری مدرن با هوش مصنوعی

حضور فناوری هوش مصنوعی در عرصه هنرهای نمایشی غیر قابل اجتناب به نظر می‌رسد و سرعت قابل توجهی دارد. شاید در آینده نه چندان دور دیگر نیازی به حضور فیزیکی بازیگران و اجراگران بر صحنه نمایش نباشد و فناوری هوش مصنوعی به شکل خودکار و تنها با استفاده از چهره و صدای بازیگران، امر تولید آثار نمایشی را امکان‌پذیر سازد. در این صورت باید راهی برای بهره‌مندی بازیگران و اجراگران از مزایای استفاده از چهره و صدایشان در امر تولید محصولات نمایشی وجود داشته باشد. در حال حاضر بسیاری از شرکت‌های بزرگ و افراد پرنفوذ و ثروتمند خود را مالک هنرمندان، ورزشکاران و افرادی می‌دانند که با توانایی‌های خود برایشان تولید ثروت و درآمد می‌کنند. در این میان آنچه به آنها اجازه نمی‌دهد با زبردستان خود مانند برده رفتار کنند، قوانین و مقررات مربوط به حق کپی رایت است. احتمالاً با پیشرفت فناوری هوش مصنوعی و افزایش نفوذ آن در حوزه‌های مختلف از جمله صنعت سرگرمی و دنیای هنرهای نمایشی، افراد یاد شده خود را مالک تصویر و صدای هنرمندان خواهند دانست. از همین رو باید قوانینی وجود داشته باشد که بتواند جلوی برده‌داری مدرن را بگیرد.



نفر از اعضای این اتحادیه در آن شرکت داشتند. ۷۹ درصد از هنرمندانی که در پروژه‌های نمایشی برخوردار از فناوری هوش مصنوعی شرکت داشته‌اند، به این نکته اشاره کرده‌اند که پیش از امضای قرارداد مربوط به حضور در این پروژه‌ها درک کامل و برداشت جامعی از حق و حقوق خود نداشته‌اند. افزون بر آن ۹۳ درصد از هنرمندانی که از صدای خود برای انجمن فعالیت هنری بهره می‌گیرند و بر تولید کارهای صوتی تمرکز دارند، در این نظرسنجی اعتراف کرده‌اند که به رشد روزافزون استفاده از فناوری هوش مصنوعی در دنیای هنر با دیده شک و تردید می‌نگرند و نگران آن هستند که این فناوری نوین به تهدیدی برای کسب فرصت‌های شغلی توسط هنرمندان فعال در حوزه صدا تبدیل شود.

فارغ از آنکه تردیدها و نگرانی‌های هنرمندان در مورد ورود هوش مصنوعی به دنیای هنر تا چه اندازه واقعی و جدی است، باید اعتراف کرد که در حال حاضر این فناوری به طور فزاینده‌ای در حوزه هنرهای صوتی و تصویری مورد استفاده قرار می‌گیرد و در تولید کتاب‌های صوتی، آواتارهای دیجیتال و بسیاری از موارد مشابه دیگر کاربرد دارد.

#### لزوم تصویب قوانین مدرن برای انطباق با فناوری هوش مصنوعی

اتحادیه صنف هنرمندان بریتانیا علاوه بر برشمردن تهدیدهای ناشی از ظهور هوش مصنوعی در عرصه هنرهای نمایشی، نسبت به این موضوع نیز هشدار داده است که زحمت آن دسته از هنرمندانی که اجازه استفاده از صدا و تصویر خود را در پروژه‌های نمایشی مبتنی بر فناوری هوش مصنوعی می‌دهند، معمولاً به شکل درخور، منصفانه و عادلانه جبران نمی‌شود. بنابراین اتحادیه در پاره‌ای اوقات بازیگران و اجراگرانی که با پروژه‌های نمایشی برخوردار از فناوری هوش

با پیشرفت روزافزون تکنولوژی و توسعه رو به رشد فناوری هوش مصنوعی، میزان استفاده از این فناوری و سایر تکنولوژی‌های نوین در عرصه هنرهای نمایشی نیز روز به روز بیشتر می‌شود و ابعاد آن گسترش می‌یابد؛ موضوعی که در سال‌های اخیر نگرانی فعالان عرصه هنرهای نمایشی، به خصوص بازیگران و صدایشانگان را به همراه داشته است. نگرانی هنرمندان فعال در عرصه هنرهای نمایشی نه از پیشرفت تکنولوژی و توسعه فناوری هوش مصنوعی و گسترش استفاده از آن در دنیای هنر که از حفظ حق و حقوقشان در نتیجه این تغییر و تحول است. در واقع آنها بیم آن دارند که با گسترش بهره‌مندی از فناوری هوش مصنوعی در دنیای هنرهای نمایشی حق و حقوقشان آن گونه که باید رعایت نشود. افزایش این نگرانی‌ها در کشور انگلستان به تازگی موجب انجام اقداماتی توسط برخی از اتحادیه‌های صنفی فعال در عرصه هنرهای نمایشی با هدف حمایت از حقوق هنرمندان شده است. به عنوان مثال می‌توان به پوش «سرقت نمایش توسط هوش مصنوعی را متوقف کنید» اشاره کرد که اخیراً توسط اتحادیه صنف هنرمندان فعال در هنرهای خلاق انگلستان (اتحادیه هنرهای نمایشی Equity) برای حمایت از حقوق اجراگران و بازیگران هنرهای نمایشی در برابر هوش مصنوعی راه‌اندازی شده است. اتحادیه صنف هنرمندان انگلستان امیدوار است بتواند با راه‌اندازی این پوش جدید دولت این کشور را متقاعد کند که قوانین تازه‌ای برای حمایت از حقوق هنرمندان تدوین و وضع نماید تا شرکت‌های مختلف تجاری نتوانند بدون اجازه آنها از فناوری هوش مصنوعی برای تولید محتوای نمایشی جدید بر اساس چهره و صدای هنرمندان استفاده کنند.

#### وجود خلاء قانونی برای استفاده از هوش مصنوعی در عرصه هنرهای نمایشی

در حال حاضر قوانین مربوط به حفظ حقوق معنوی هنرمندان یا همان قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان (قانون کپی رایت) انگلستان به بازیگران و اجراگران این کشور اجازه می‌دهد که بتوانند تمام حق و حقوق یک اجرای ضبط شده (اعم از صوتی و تصویری) و کنترول و تکثیر آن را در اختیار داشته باشند. به این ترتیب با توجه به پیشرفت چشمگیر فناوری هوش مصنوعی و رشد روزافزون استفاده از آن در عرصه هنرهای نمایشی لزوم بازبینی قوانین مربوط به مالکیت معنوی آثار هنری و به‌روزرسانی آنها بیش از پیش احساس می‌شود.

**نگرانی هنرمندان از ورود هوش مصنوعی به دنیای هنر**  
بر اساس نظرسنجی جدید انجام شده توسط اتحادیه صنف هنرمندان فعال در هنرهای خلاق بریتانیا که تعداد ۴۳۰



تاریخ انتشار: شنبه ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ \* ۱۰:۴۷

۵



### فانتزی در تئاتر کودک حرف اول را می زند

آرش شریف زاده کارگردان نمایش «گروفالو» درباره شکل گیری این اثر نمایشی و نقش فانتزی در تئاتر کودک و نوجوان توضیحاتی ارائه داد. آرش شریف زاده کارگردان، طراح صحنه و طراح نمایش تئاتر کودک و نوجوان و عروسکی که این روزها نمایش «گروفالو» را در پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه دارد درباره شکل گیری این اثر نمایشی گفت: شروع نمایش «گروفالو» از سال ۱۳۹۲ بود که مشغول طراحی فراخوانی مربوط به جشنواره تئاتر شهر بودم و در حین طراحی توجهم به شرایط شرکت در جشنواره جلب شد تا آن زمان حیطه فعالیتیم در طراحی صحنه، لباس، مشاوره، بازیگری و عروسک گردانی بود و در زمینه کارگردانی کمتر فعالیت داشتم. پس از اطلاع از شرایط شرکت در جشنواره طرح مدنظرم را با بهرام جلالی پور مطرح کردم و وی هم پیشنهاد قصه «گروفالو» را داد.

وی ادامه داد: «گروفالو» از قصه های قدیمی چینی است که نویسنده ای به نام جولیا دونالدسون قصه را به روز کرده و با استقبال خوبی نیز مواجه شده است. نمایش در جشنواره تئاتر شهر جویز اصلی را کسب کرد و پس از آن به جشنواره عسلویه دعوت شدیم که آنجا هم اتفاقات خوبی برای نمایش رقم خورد و جویز زیادی به دست آورد. سپس برای اجرای عموم در تالار هنر به صحنه رفت که با استقبال کودکان و نوجوانان مواجه شد. پس از آن هم در جشنواره بین المللی تئاتر کودک و نوجوان شرکت کردیم که آنجا هم جویز اصلی را کسب کردیم. بعد از جشنواره همدان از دفتر ارتباطات اسلامی با من تماس گرفته شد و عنوان کردند دفتر ارتباطات اسلامی قصد دارد برای اولین بار نمایش کودک را برای جشنواره تئاتر کودک تونس اعزام کند تا مرادوات فرهنگی انجام شود.

شریف زاده یادآور شد: به این ترتیب «گروفالو» راهی جشنواره بین المللی تونس شد. در کشور تونس به سه زبان عربی، انگلیسی و فرانسوی صحبت می کنند. از آنجایی که مهدی فرشیدی سپهر بازیگر و شاعر نمایش به زبان انگلیسی و بهاره میرزاپور به زبان های فرانسوی و عربی مسلط بودند، توانستیم بخش هایی از نمایش را به زبان های مورد استفاده تونس ترجمه و اجرا کنیم. تاثیر مثبت این اتفاق به قدری زیاد بود که دبیر جشنواره در پایان یادآور شد که نمایش ما از لحاظ ارتباط با مخاطبان بسیار موفق عمل کرده و تنها نمایشی بود که کودکان تونس به دلیل فهمیدن دیالوگ ها بسیار با آن ارتباط برقرار کرده اند. در این جشنواره هم «گروفالو» جزو آثار منتخب و صاحب جویزی شد. این نمایش در کل صاحب ۱۸ جایزه از جشنواره های ملی و بین المللی شده است. خوشبختانه تا امروز کودکان از کشورهای مختلف چه در ایران و خارج از کشور و چه در حاشیه روستاها و حتی زمانی که نمایش را در مسجدهای اجرا کردیم با «گروفالو» از تباط برقرار کردند. این کارگردان با اشاره به پتانسیل منابع داستانی برای اقتباس و تبدیل شدن به آثار نمایشی عنوان کرد: من در آثار استفاده خیلی خوبی از اقتباس برده ام. اقتباس و

روش های آن مسلمانان در حیطه تخصص بهرام جلالی پور نویسنده نمایش «گروفالو» است اما به نظرم کتاب های خوبی وجود دارد که چه به لحاظ داستانی، چه آموزشی و... مورد توجه بچه هاست و باعث می شود پتانسیل هایی را که باعث جذب کودکان شده است، بشناسید. به عنوان یک کارگردان باید دلایل این جذب شنیدن را کشف کنید و گسترش دهید چرا که کتاب در اصل، موضوع را به شما می دهد، موضوعی که کودکان با آن ارتباط برقرار کرده اند و امتحان خود را پس داده است. فانتزی در تئاتر کودک حرف اول را می زند/ «گروفالو» چطور شکل گرفت؟ کارگردان «کلوچه های خدا» تصریح کرد: کارگردان با آگاهی و احاطه خود به موضوع، حرکات، میزانشن ها، لباس، گریم، نور، کنتراست رنگ ها، ترکیب بندی... اثر را برای مخاطب تجسم می بخشد. استفاده از منابع داستانی برای تبدیل شدن به نمایش بسیار قابل قبول است و کارگردان می تواند موضوعات را بر اساس ذهنیت و برداشت خود روی صحنه ببرد. البته اقتباس های ناموفق هم وجود دارند که این ضعف در بخش های مختلفی مثل نویسنده، تحلیل و کارگردانی باعث شده که برداشت درستی از قصه های موفق اتفاق نیفتد. اقتباس حتی می تواند از فیلم، سریال یا انیمیشن صورت بگیرد و باید به همان اندازه جذاب باشد تا مخاطب را ارضای کند. شریف زاده در پایان درباره نقش فانتزی در شکل گیری تئاتر کودک و نوجوان گفت: متعقدم فانتزی در تئاتر کودک و نوجوان حصر اول را می زند. اینکه ما موضوعاتی در رابطه با اجتماع و جامعه و مشکلات آن را به نمایش در آوریم درست است اما به طور کلی تخیل بچه ها بسیار گسترده و قوی است و بهتر است از این تخیل، خوب استفاده شود و به فانتزی ذهن کودکان تلنگر بزنیم. به عنوان نمونه بهرام جلالی پور نویسنده اثر با تلفیق «گروفالو» با یکی از داستان های کهن ما «حسن کچل» و اضافه کردن شخصیت روح پدربزرگ به داستان اصلی باعث شد نمایش تاثیر فوق العاده ای در جذب بچه ها داشته باشد. در نمایش روح پدربزرگ علاوه بر اینکه جنبه فانتزی دارد و یک روح است، توانایی انجام خیلی از کارهایی را دارد که یک فرد عادی قادر به انجام آن نیست و این مساله باعث جذابیت بیشتر نمایش شد. نمایش «گروفالو» با بازی امین رضا ملک محمودی، امیر افسر سبیلی، نگار تقوی راد، شروین حاجی آقاجانی، نگین تقوی راد، مهدی بیلابنی، علی پورمهراد هر روز ساعت ۱۷:۳۰ در پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه می رود.